



عکس: AFC

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



ادعای آمریکا در باره کشتی Star Iris

ایالات متحده مدعی شده است که یک کشتی باری که چند روز پیش مورد اصابت موشک‌های شلیک شده توسط جنگجویان حوثی در یمن قرار گرفت، در حال حرکت به سمت ایران بوده است. فرماندهی مرکزی آمریکا (سنکتام) با مامداد روز سه‌شنبه اعلام کرد که MV Star Iris در حال عبور از دریای سرخ برای رسیدن به بندر امام خمینی در جنوب ایران بوده است. ارتش ایالات متحده در پستی در شبکه اجتماعی ایکس ادعا کرد که این کشتی حامل یک محموله ذرت از برزیل به مقصد ایران بوده است. این کشتی ستاره آبریس را به‌عنوان یک کشتی باری متعلق به یونان و با پرچم جزایر مارشال معرفی کرد. حوثی‌های مرتبط با ایران روز دوشنبه این کشتی را به‌عنوان کشتی مرتبط با آمریکا شناسایی کردند و اصابت آن را در حین حرکت در آب‌های یمن تأیید کردند.

«یجی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن اعلام کرد، نیروی دریایی این کشور یک کشتی آمریکایی را در دریای سرخ هدف قرار داده است. وی در این باره گفت: نیروی دریایی ما کشتی آمریکایی «استار آبریس» را با تعدادی موشک مناسب هدف قرار داد و به یاری خوادین این حمله دقیق بود. سخنگوی نیروهای مسلح یمن افزود: نیروهای مسلح یمن تا پایان تجاوز و رفع محاصره غزه، به اجرای تصمیم خود برای جلوگیری از حرکت کشتی‌های اسرائیل به سمت بنادر فلسطین اشغالی ادامه خواهند داد. نیروهای ما در پاسخ به جنایات صهیونیست‌ها علیه برادرانمان در غزه و همچنین در پاسخ به تجاوزات آمریکایی-انگلیسی به کشورهایمان از انجام عملیات‌های بیشتر تردید نخواهند کرد. صبح همان روز، آژانس عملیات تجارت دریایی انگلیس در بیانیه‌ای اعلام کرده بود: گزارشی مبنی بر وقوع یک حادثه امنیتی در ۴۰ مایلی جنوب بندر المخا یمن دریافت کردیم. حوثی‌ها در ماه‌های اخیر به کشتی‌های متعددی که به گفته آن‌ها به اسرائیل، آمریکا یا بریتانیا مرتبط بودند، در دریای سرخ حمله کرده‌اند. این کمپین که به گفته مقامات این گروه، نماد وحدت با فلسطینی‌هاست و تا زمانی که اسرائیل به بمباران غزه ادامه می‌دهد ادامه خواهد یافت، مسیر تجاری کلیدی بین اروپا و آسیا را مختل کرده است.

در روز حمله به کشتی Star Iris، نهاد عملیات تجارت دریایی بریتانیا تأیید کرد که یک کشتی در ساعت ۰۰:۳۵:۰۰ به وقت گرینویچ در حدود ۴۰ مایل دریایی (۷۴ کیلومتری) جنوب المخا (موکا) در یمن مورد حمله دو موشک قرار گرفت. این سازمان با توصیه به ترازیت از طریق آب‌های نزدیک به یمن با احتیاط گفت: «خدمه سالم گزارش شده‌اند و کشتی در حال حرکت به سمت بندر بعدی است.» سریع همچنین این حمله را تلافی تجاوز آمریکایی-انگلیسی به یمن خواند. در هفته‌های اخیر، ایالات متحده و بریتانیا با حمله به مناطق تحت کنترل حوثی‌ها در یمن به حملات مداوم به ترافیک دریایی پاسخ داده‌اند. این سخنگو بار دیگر تأکید کرد که این گروه قصد دارد تا پایان جنگ به هدف قرار دادن کشتی‌ها در دریای سرخ ادامه دهد. آخرین حمله حوثی‌ها کمتر از دو روز پس از آخرین حمله توسط ارتش ایالات متحده صورت می‌گیرد که با مهمات پرتاب‌شده از هواپیماها و کشتی‌های جنگی در نزدیکی یمن، مواضع حوثی‌ها را هدف قرار داده است. سنکتام روز یکشنبه اعلام کرد که جدیدترین حملات این یک روز قبل، دو کشتی سطحی بدون سرنشین و سه موشک کروز ضدکشتی متحرک را هدف قرار داده است. هنوز یمنی‌ها و مقامات ایرانی در این خصوص که آیا کشتی Star Iris اشتباه هدف قرار گرفته یا خیر واکنشی رسمی نشان نداده‌اند. البته پیش از این سابقه حملات اشتباه از سوی حوثی‌ها گزارش شده و خودشان نیز به اشتباه‌شان اذعان کرده‌اند. برای مثال چندی پیش حوثی‌های یمن یک کشتی روسی را هدف قرار دادند که البته به فاصله کوتاهی ضمن اذعان به این اشتباه از مسکو عذر خواهی کردند. البته اطلاعات ثبت‌شده در خصوص مسیر کشتی Star Iris نیز نشان می‌دهد که این کشتی که تحت پرچم جزایر مارشال در حرکت بوده، قرار بود به بندر امام خمینی ایران برسد.

پیشنهاد کارشناسان برای جلوگیری از تشدید تنش میان ایران و آمریکا



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

از روز ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ که عملیات گسترده حماس علیه سرزمین‌های پیرامون غزه آغاز شد، نگرانی‌ها در مورد یک جنگ گسترده منطقه‌ای که شامل حامیان حماس و حامیان اسرائیل می‌شود، تشدید شد. از همان روزهای نخست حامیان تندرو اسرائیل در آمریکا، انگشت خود را به سمت ایران نشانه گرفتند و با برشمردن حمایت‌های ایران از حماس و دیگر گروه‌های مقاومت فلسطینی، ریشه عملیات طوفان الاقصی را در تهران جست‌وجو کردند. تندروهای آمریکایی معتقد بودند که برای پایان دادن به تهدیدهایی که متوجه امنیت اسرائیل است، آمریکا باید وارد

عمل شود و یک بار برای همیشه دست‌های ایران را در منطقه قطع کند. پس از گذشت چهار ماه بعد از عملیات حماس، در حالی که کارزار نظامی انتقام‌جویانه اسرائیل در نوار غزه با بیش از ۲۸ هزار کشته از میان فلسطینیان ادامه دارد و اتهام‌های نسل‌کشی و پاکسازی قومی علیه اسرائیل در سطح افکار عمومی و جامعه جهانی قوت گرفته است، فشار به دولت آمریکا برای رویارویی نظامی با تهران از سوی اسرائیل و حامیان تندرو آن در واشنگتن بیش از هر زمان دیگر تشدید شده است. در طول این مدت، گروه‌های مقاومت منتسب به ایران که از سوی تهران با عنوان «محور مقاومت» شناخته می‌شوند، نه تنها در سرزمین‌های فلسطینی بلکه در سراسر منطقه حملات به منافع آمریکا و اسرائیل را تشدید کرده‌اند. تا امروز بیش از ۱۶۰ حمله از سوی گروه‌های مقاومت عراق و سوریه علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه انجام شده است و نیروهای یمنی تحت فرماندهی انصارالله یمن تاکنون ده‌ها کشتی تجاری را که به گفته آنها قصد سفر به اسرائیل داشتند، هدف حمله قرار داده‌اند. در تمام چهار ماه گذشته ایران تأکید کرده است که گروه‌های مقاومت

منطقه از ایران دستور نمی‌گیرند و به‌صورت مستقل و مطابق صلاحیت خود براساس منافع ملی کشورهای متبوع‌شان عمل می‌کنند. در مقابل حملات این گروه‌ها، آمریکا و متحدانش نیز از مواجهه مستقیم با ایران اجتناب کرده‌اند و تنها عملیات‌های محدودی علیه مقرهای گروه‌های مقاومت منطقه‌ای در عراق، سوریه و یمن انجام داده‌اند.

دو هفته پیش، زمانی که حمله پهنادی به پایگاه نظامی برج ۲۲ باعث کشته شدن ۳ نظامی آمریکایی شد، نگرانی‌ها در مورد مواجهه نظامی در منطقه به شکل گسترده‌ای افزایش پیدا کرد. دولت آمریکا تأکید کرد که در واکنش به کشته شدن نیروهایش «در هر زمان و مکان که اراده کند، با شدت تمام» واکنش نشان خواهد داد. ایران اما بار دیگر تأکید کرد که نقشی در این حملات ندارد. با گذشت سه روز از حمله به برج ۲۲، آمریکا بار دیگر مجموعه‌ای از حملات را در عراق و سوریه علیه مقرهای گروه‌های مقاومت آغاز کرد و عملیات ترور هدفمند علیه رهبران برخی گروه‌های عراقی را در پیش گرفت. هر چند به نظر می‌رسد که بعد از عملیات پهنادی برج ۲۲ باز هم ایران و آمریکا توانسته‌اند از مواجهه مستقیم اجتناب کنند اما این سوال وجود دارد که آیا با تکرار چنین حملاتی، امکان رویارویی مستقیم میان تهران و واشنگتن و آغاز یک جنگ گسترده منطقه‌ای وجود دارد یا نه؟ برای بررسی این موضوع روزنامه «هم‌میهن» سه سوال مشخص از کارشناس و تحلیل‌گر مسائل منطقه پرسیده است. به ترتیب حروف الفبا باربارا اسلاوین، پژوهشگر اندیشکده مرکز استیمسون در واشنگتن دی‌سی، احمد دستمال‌چیان، سفیر پیشین ایران در اردن و لبنان، علم صالح، استاد دانشگاه ملی استرالیا در لندن، سیدعدنان طباطبایی، مدیرعامل اندیشکده مرکز پژوهش‌های کاربردی برای مشارکت با شرق در بن، سینا عضدی، مدرس دانشکده امور بین‌الملل الیوت دانشگاه جورج واشنگتن در واشنگتن دی‌سی و علی ماجدی، سفیر پیشین ایران در آلمان به سه سوال زیر پاسخ گفتند:

۱ با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا از گفت‌وگو با یکدیگر اجتناب می‌کنند، منافع یکدیگر را مستمراً مستقیم و غیرمستقیم هدف قرار می‌دهند اما ادعا می‌کنند که نمی‌خواهند جنگ را گسترده‌تر کنند، آیا وضعیت جاری میان دو کشور به همین شکل قابل استمرار است؟

۲ تا چه اندازه این ریسک وجود دارد که این حملات و تلافی‌ها باعث بروز یک جنگ گسترده‌تر در منطقه و رویارویی نظامی مستقیم ایران و آمریکا شود؟

۳ ایران و آمریکا هر یک چه اقداماتی را باید در پیش بگیرند تا از گسترده شدن جنگ در منطقه جلوگیری کنند؟
در ادامه پاسخ‌های ۶ کارشناس و تحلیل‌گر مسائل منطقه را به سوالات «هم‌میهن» مطالعه می‌کنید.

خطر تعدد کانون‌های بحران



سیدعدنان طباطبایی

مدیرعامل مرکز پژوهش‌های کاربردی برای مشارکت با شرق

۲ وضعیت کنونی به شکلی است که هم ایران و هم آمریکا واقعاً تمایل گسترده‌تر شدن جنگ را ندارند. به‌رغم اینکه همچنان ریسک بسیار بالا است، هر دو طرف نمی‌خواهند این جنگ توسعه پیدا کند. من معتقدم که به دلیل میل و اراده دو طرف، ریسک گسترده‌تر شدن جنگ بسیار کم است. اما با اضافه شدن هر کشور جدیدی که درگیر این اتفاقات شود، گروه‌هایی غیردولتی در هر یک از این کشورها وجود دارند که ممکن است به صورت خودجوش وارد میدان شوند. فدرت کشورهای جدیدی که به تدریج وارد این درگیری شده‌اند، روزبه‌روز در حال گسترده‌تر شدن است. از ۷ اکتبر درگیری‌ها از اسرائیل و مناطق فلسطینی شروع شد و به لبنان و سوریه کشید و بعد دیدیم که عراق، یمن، پاکستان، اردن و کل منطقه دریای سرخ وارد درگیری شده‌اند. با افزایش تعداد این کشورها، بازیگران داخلی در این کشورها هم ممکن است فعالیت‌هایی را آغاز کنند که باعث گسترده‌تر شدن این جنگ شود. شکی نیست که آمریکا و ایران تمایلی به گسترده‌تر شدن جنگ ندارند و طبیعتاً تنها راه حل برای جلوگیری از گسترش جنگ، آتش‌بس در جنگ علیه غزه است. به اعتقاد من برای کاهش ریسک درگیری منطقه‌ای، مسئله آتش‌بس در غزه باید در صدر دستور کارهای تمام گفت‌وگوهای بین‌المللی و منطقه‌ای قرار گیرد.

۳ تنها راه برای جلوگیری قطعی از افزایش تنش و مستقیم شدن درگیری بین ایران و آمریکا این است که پیام‌هایی از طریق کشورهای ثالث مثل قطر، سوئیس، عراق و سلطنت عمان جابه‌جا شود و بین دو طرف اعتمادسازی شود تا از درگیری مستقیم جلوگیری شود. مشکل اینجاست که هم ایران نسبت به آمریکا و هم آمریکا نسبت به ایران رویکرد بازدارندگی در پیش گرفته‌اند و سیاست کلی این است که همواره احساس فشار، خطر و هشدار در طرف مقابل ایجاد کنند. باید راهکاری پیدا شود که هم تهران و واشنگتن بازدارندگی‌شان را از دست ندهند و هم جلوی درگیری مستقیم را بگیرند.

ریسک وقایع کوچک با عواقب خطرناک



سینا عضدی

مدرس دانشگاه جورج تاون در واشنگتن

۱ به نظر من وضعیت جاری میان ایران و آمریکا قابل استمرار نیست، چرا که در غیاب خط مستقیم تماس میان ایران و آمریکا ممکن است حوادثی رخ دهد و دو طرف نتوانند به موقع پیام‌ها و خطوط قرمز خود را به طرف مقابل منتقل کنند. زمانی که دیپلمات‌ها از سر میز بلند شوند، سربازها هستند که سر میز می‌نشینند؛ معنایش این است که در دوران بحران زمانی که دیپلمات‌ها برای گفت‌وگو و انتقال پیام حضور نداشته‌باشند، این سربازها هستند که ابتکار عمل را در دست می‌گیرند. باید در نظر بگیریم که جنگ ادامه سیاست‌ورزی است، جنگ یک مدل دیپلماسی تشدیدشده است که به جای دیپلمات‌ها توسط نظامی‌ها انجام می‌شود. به نظر من این امکان وجود ندارد که دو کشوری که به شدت به یکدیگر بی‌اعتماد هستند، در شرایط بحرانی بدون گفت‌وگو بتوانند بدون مواجهه مستقیم به کار با یکدیگر ادامه دهند.

۲ ریسک مواجهه بسیار بالاست، در همین واقعه اخیر که سه سرباز آمریکایی کشته شدند در آمریکا جناح‌های سیاسی بسیار به دولت جو بایدن فشار وارد می‌کردند که جواب خیلی محکمی به ایران بدهد. چنین حوادثی هستند که کشورها را در شرایطی قرار می‌دهند که به سمت جنگ میل کنند. مثال بارز چنین وقایعی را می‌توان در واقعه ترور ولیعهد اتریش در ژوئیه ۱۹۱۴ دید، کشورهای اروپایی در شرایط بحران قرار داشتند و یک جرقه خیلی کوچک باعث شد که سه کشور عمده اروپایی در شرایطی قرار بگیرند که راهی جز جنگ جلوی پای آنها قرار نگیرد. کشورهای اروپایی نمی‌خواستند وارد جنگ

شوند، اما در پی این ترور مجبور شدند که وارد جنگ شوند. یک اتفاق در سارایوو جنگی را شروع کرد که ۴ سال کل اروپا را درگیر خود کرد و تمام دنیا را تغییر داد. در مورد منطقه خاورمیانه هم چنین شرایطی صدق می‌کند و یک جرقه کوچک می‌تواند جنگی بسیار وسیع‌تر را رقم بزند. فراموش نکنیم که سال ۲۰۲۰ کشته‌شدن یک کارمند قراردادی آمریکا در یکی از پایگاه‌های آمریکا در عراق، زنجیره‌ای از حوادث را رقم زد که به ترور [اسردار] سلیمانی رسید که نهایتاً به سرنگونی هواپیمای اوکراینی منجر شد. یعنی یک اتفاق که اصلاً معلوم نبود از ابتدا اراده‌ای برای کشتن فردی در آن وجود داشت، باعث زنجیره‌ای از حوادث شد که به کشته‌شدن ده‌ها نفر انسان بی‌گناه انجامید.

۳ مهم‌ترین اقدامی که دو کشوری می‌توانند انجام دهند دیالوگ و گفت‌وگو است. در شرایط ایده‌آل چنین گفت‌وگویی باید مستقیم باشد. پیام‌ها از طریق نمایندگی ایران و آمریکا در سازمان ملل متحد و همچنین پیام‌هایی که از طرف کشورهای میانجی منتقل می‌شود، می‌تواند در کاهش تنش نقش داشته‌باشد. هدف اصلی دو کشور باید این باشد که ایران و آمریکا زمانی بتوانند مسائل باقیمانده میان خودشان را حل کنند. گام‌های کوچک باعث می‌شود که مخالفان رابطه ایران و آمریکا جلوی حرکت آنها به سمت برقراری رابطه سنگ بیندازند. اما اگر تهران و واشنگتن حرکتی کلی برای حل همه مسائل و دگرگونی در رابطه انجام دهند، باعث می‌شود که مخالفان این رابطه نتوانند مانع‌تراشی کنند. نهایتاً به نظر من گفت‌وگو بهترین روش است. دو طرف باید پیام‌های طرف مقابل را جدی بگیرند؛ متأسفانه خیلی وقت‌ها طرف‌های درگیر خطوط قرمز طرف مقابل را در دست درک نمی‌کنند و آنها را بلوف سیاسی فرض می‌کنند، در شرایطی که بسیاری از بلوف این خطوط قرمز بلوف سیاسی نیستند. جدی گرفتن خطوط قرمز طرف‌های مقابل بسیار اهمیت دارد.